

جریان نوآوری

شعر فارسی بازی فوتسال

علی اکبر قاسمی گل افشانی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران
سرگروه زبان و ادبیات فارسی سوادکوه (مازندران)

پیش در آمد

دانش آموزان سال دوم آموزش متوسطه در فصل هفتم کتاب ادبیات فارسی خودشان درآمدی بر ادبیات دوران جدید (شعر) را می خوانند. مؤلفان محترم کتاب در بند دوم این درآمد نوشته اند:

«در عصر مشروطه و پس از آن، کسانی چون ابوالقاسم لاهوتی، تقی رفعت، شمس کسمایی و جعفر خامنه‌ای جریان نوآوری را به‌ویژه در عرصه شعر پی می‌گیرند. حاصل این تلاش‌ها را در «افسانه» نیما یوشیج می‌بینیم که در سال ۱۳۰۱ به چاپ رسید. این منظومه را سرآغاز «شعر نو» دانسته‌اند. نیما پس از افسانه به استحکام پایه‌های نوآوری خویش می‌پردازد و جریانی تازه را در شعر فارسی به‌وجود می‌آورد...»

من نیز همچون همه همکاران ارجمند وقتی به این بخش می‌رسم، اندکی فراتر از کتاب برای دانش‌آموزان توضیح می‌دهم و از اهمیت کار نیما سخن می‌گویم. مثلاً می‌گویم همان‌طور که رودکی «پدر شعر فارسی» و بزرگ‌ترین شاعر هزاره اول شعر فارسی است، نیما یوشیج «پدر شعر معاصر فارسی» است و می‌توانیم او را بزرگ‌ترین شاعر هزاره دوم شعر فارسی بدانیم. در واقع، نیما یوشیج همان رودکی زمان خود است. نمونه‌هایی از اشعار نیما را هم برای بچه‌ها می‌خوانم.

قانع نمی‌شدند. تا اینکه تمثیل بازی فوتسال را برای تبیین این موضوع به‌کار گرفتیم. شما عزیزان هم اگر مایلید بشنوید، چند دقیقه دندان روی جگر بگذارید تا بگویم. البته همین جا باید به من قول بدهید موضوع را به کمیته انضباطی نکشید. اینجا مگر بلاد کفر است که قاسمی گل افشانی تیم فوتسال درست می‌کند و بانو شمس کسمایی را در کنار تقی رفعت و جعفر خامنه‌ای و ابوالقاسم لاهوتی و نیما یوشیج

در یک تیم به بازی می‌گیرد؟ همان‌طور که می‌دانید، بازی فوتسال پنج نفر بازیکن دارد. در جریان نوآوری شعر فارسی نیز پنج نفر نقش داشته‌اند. در ادبیات معاصر خواندیم که پیش‌تر از نیما، آن چهار نفر (ابوالقاسم لاهوتی، تقی رفعت، شمس کسمایی و جعفر خامنه‌ای) زمینه نوآوری را تا حدودی فراهم کرده بودند و با ظهور نیما جریان نوآوری ضربه نهایی خود را بر پیکره ادب کلاسیک وارد نمود و کار را تمام کرد. فرض کنید این پنج نفر در یک تیم فوتسال هم‌بازی هستند و نیما در نوک حمله بازی می‌کند و باز می‌دانیم که هیچ بازیکن نوک حمله به تنهایی نمی‌تواند گل بزند. فوتسال مثل بسیاری از ورزش‌های دیگر ورزشی گروهی است؛ یعنی، تمام بازیکنان باید همراهی کنند تا

در آزمون هم مثلاً می‌پرسم: تأثیرگذارترین شاعر معاصر کیست؟ سرآغاز شعر نو کدام منظومه است و از کیست؟ تعدادی از دانش‌آموزان به جای اینکه نام نیما یوشیج را بنویسند، نام یکی از این چهار نفر یعنی ابوالقاسم لاهوتی، تقی رفعت، شمس

سعدی نیز همچون
کارشناسان هواشناسی
دارد هشدار می‌دهد که
حال باران اشک مرا به
اطلاع ساربان برسانید تا
در چنین روزی حرکت
نکند

کسمایی و جعفر خامنه‌ای را می‌نوشتند. در پایان آزمون وقتی به اشتباهشان پی می‌بردند، می‌پرسیدند آن چهار نفر هم در جریان نوآوری نقش داشته‌اند ولی چرا همه چیز به نام نیما تمام شده است. وقتی توضیح می‌دادم به خرج بعضی‌ها نمی‌رفت و

بیت زیر از حافظ را بخوانید:

ارغوان جام عقیقی به **سمن** خواهد داد

چشم **نرگس** به **شقایق** نگران خواهد شد

ارغوان و سمن و نرگس و شقایق اعضای یک گروه در شبکه تلگرام اند. آنچه آن‌ها را در یک گروه مجازی در کنار هم آورده، این است که نام هر چهار تابشان نام گل‌هاست و این یعنی مراعات‌نظیر.

۲. **قید و محافظ:** قیدها را محافظان تمام یا بخشی از جمله معرفی می‌کنم. در مثال کتاب: «امید از راه بسیار دوری آمده است»، دور صفت است و صاحب‌منصب، و بسیار قید است و محافظ او. صاحب‌منصبان وقتی وارد جلسه‌ای می‌شوند، محافظان به داخل آن جلسه نمی‌روند؛ چون نقش آن‌ها اصلی نیست. قیدها هم همین گونه‌اند. اگر آن‌ها را از جمله حذف کنیم، به اصل جمله خللی وارد نمی‌شود.

۳. **بیتی از مسعود سعد و بازی الاکلنگ:** این

بیت مسعود سعد را از کتاب ادبیات فارسی (۲) سال دوم آموزش متوسطه با هم می‌خوانیم:

امروز به غم فزون‌ترم از دی

و امسال به نقد کمتر از پارم

این بیت مسعود سعد خاصیت الاکلنگی دارد. فرض کنید «وضعیت امروز مسعود سعد» و «وضعیت دیروز مسعود سعد» دارند الاکلنگ‌بازی می‌کنند. امروز از لحاظ غم، سنگین‌تر از دیروز است و دیروز از لحاظ غم سبک‌تر از امروز بود؛ یکی بالا یکی پایین و این یعنی بازی الاکلنگ. مصراع دوم نیز همین خاصیت دارد.

۴. **بیتی از سعدی و پیش‌بینی هواشناسی:**

دانش‌آموزان سال سوم تجربی و ریاضی این بیت از سعدی را در بخش شعرهای حفظی کتاب ادبیات خودشان دارند:

با ساربان بگوئید احوال آب چشمم

تا بر شتر نیندد محمل به روز باران

این بیت سعدی شبیه پیش‌بینی کارشناسان اداره هواشناسی روزگار ماست؛ کارشناس هواشناسی می‌گوید: فردا برف و کولاک شدید جاده را فرا می‌گیرد، جاده لغزنده است، از مسافرت‌های غیرضروری پرهیزید یا اصلاً جاده بسته است. سعدی نیز همچون کارشناسان هواشناسی دارد هشدار می‌دهد که حال باران اشک مرا به اطلاع ساربان برسانید تا در چنین روزی حرکت نکند.

نتیجه بگیرند. آن چهار نفر کار را شروع کردند و نیما که در نوک حمله قرار داشت، کار را تمام کرد. چون نیما گل را به ثمر رساند، این کار به نام او تمام شد. امیدوارم نگارنده را به ژاژخایی و بیهوده‌گویی متهم نکنید. چون با دانش‌آموزان سر و کار داریم مجبوریم برای تفهیم مطالب از زبان و دانش و سرگرمی‌های خود آن‌ها کمک بگیریم. به قول حضرت مولانا:

چون که با کودک سر و کارم فتاد

هم زبان کودک‌کان باید گشاد

اگر قانع نشدید و گناهی به

پای اعمال معلمی ما نوشتید،

سپاسگزار شما هستم و این را هم

بگویم که باز ما مجبوریم، چون:

طاعت از دست نیاید گنهی باید

کرد

در دل دوست به هر حيله ره‌ی

باید کرد

(نشاط اصفهانی)

در کلاس‌ها از این نمونه‌ها فراوان استفاده می‌کنم و فکر می‌کنم برای دانش‌آموزان نیز جالب است. گاهی این نمونه‌ها رنگ و بوی طنز هم به خود می‌گیرند. دلم می‌خواهد به صورت گذرا چند نمونه دیگر را با شما عزیزان در میان گذارم.

ز دست کوه خود زیر بارم

که از بالابندان شرمسارم

(حافظ)

۱. **مراعات نظیر و گروه‌های تلگرام:** در تدریس مبحث مراعات نظیر، نخست از گروه‌هایی که در شبکه‌های مجازی مثل تلگرام عضوند، سخن به میان می‌آورم. فامیل و دوست و آشنا بودن، هم‌کلاس و هم‌رشته و هم‌مدرسه بودن و یا هم‌سن و هم‌اندیشه بودن می‌تواند آدم‌هایی را در یک گروه تلگرامی جای بدهد. در مراعات نظیر نیز وضع به همین منوال است.

منابع

کتاب‌های ادبیات فارسی (۱) و (۲) و (۳) پایه‌های اول و دوم و سوم دبیرستان و زبان فارسی (۲) سال دوم دبیرستان